

نقش برنامه ریزی در توسعه کشور

درگیر و دار برنامه پنجم

مصاحبه اختصاصی ماهنامه «اقتصاد ایران» با دکتر حمیدرضا برادران شرکا، عضو مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام

اقتصاد ایران: به نظر شما الزامات برنامه ریزی در ایران و چالش‌هایی که در زمینه برنامه ریزی وجود دارد، چیست؟

شاید مهمترین عاملی که باعث شده ۹۰ درصد اقتصاد کشور به صورت مستقیم و غیرمستقیم به نفت وابسته باشد، مالکیت دولتی آن است. این مسأله ضرورت برنامه ریزی را در کشور بیش از پیش آشکار می‌سازد، چراکه بدون برنامه ریزی مناسب، اهداف مورد نظر به خوبی محقق نخواهد شد. اهمیت این موضوع در زمان افزایش قیمت نفت، که ما نتوانستیم از درآمدهای بالای نفتی بهره کافی ببریم، خود را نشان داد. از طرفی متأسفانه در کشور یک کارنامه نوشته شده دقیق مبنی بر این که چه میزان از درآمدهای نفتی صرف سرمایه‌گذاری تولیدی - عمرانی کشور شده و یا این که توزیع منابع در مناطق مختلف کشور چگونه بوده است، وجود ندارد و این امر، قضاوت را درباره برنامه‌ها با مشکل مواجه می‌کند.

پیش از این، سازمان برنامه و بودجه، تا حدودی این وظیفه را بر عهده داشت. در حقیقت اگر سازمان برنامه و بودجه سابق نبود، شاید حتی بسیاری از فعالیت‌های عمرانی امروز را در کشور شاهد نبودیم. خوشبختانه سازمان برنامه و بودجه توانایی این را داشت که بخشی از این منابع را در امور عمرانی و تولیدی صرف کند. ما واقعاً نیازمند برنامه ریزی‌های بلندمدت، میان‌مدت و کوتاه‌مدت می‌باشیم، اما به صرف وجود برنامه هم نمی‌توان کفایت کرد. باید دولت و جامعه خود را ملزم بدانند که برنامه را اجرایی و عملیاتی کنند.

بنابراین هنگام تدوین یک برنامه می‌باید قابلیت اجرایی آن در نظر گرفته شود و دولت هم خود را ملزم به اجرای آن بداند و حتی الامکان برنامه را اجرایی کند. به اعتقاد من قضیه انحلال سازمان برنامه و بودجه می‌توانست با مطالعات بیشتری انجام شود. در شرایطی که با بحران‌های اقتصادی داخلی و جهانی مواجه هستیم، سازمانی باید وجود داشته باشد که وظیفه برنامه ریزی را به عهده بگیرد. نمونه موفق آن چین است که چنین سازمانی را تشکیل و برنامه ریزی را به صورت اصولی و علمی تدارک دیده‌اند.

اقتصاد ایران: به نظر شما آیا تدوین برنامه‌ها در قالب برنامه‌های ۴ ساله می‌تواند تأثیر مثبتی بر روند اجرای آن داشته باشد؟

چگونه می‌بینید و در حال حاضر در چه مرحله‌ای قرار دارد؟

آنچه شاهد بودیم ابلاغ سیاست‌های برنامه پنجم توسط مقام معظم رهبری است که در کلیات شباهت زیادی به برنامه چهارم دارد؛ بدین معنی که خوشبختانه ایشان آنچه را که در برنامه چهارم تدوین شد، قبول دارند. البته در سیاست‌های کلی برنامه پنجم، شیوه جدیدی به وجود آمده است. امیدوارم فرصتی را که ما در برنامه چهارم از دست دادیم و حتی بازگشت به عقب داشتیم، در برنامه پنجم جبران شود. به ویژه آن که شرایط برای اجرای برنامه چهارم بسیار بهتر از شرایط کنونی بود. امیدواریم زمینه‌هایی ایجاد شود که نارسایی‌های برنامه چهارم جبران شده و کشور به سمت اهداف چشم‌انداز رهنمون گردد.

اقتصاد ایران: به نظر شما با توجه به اتمام زمان برنامه چهارم تا چه حد اهداف این برنامه تحقق یافته است و پیش‌بینی شما از یک سال باقیمانده چیست؟

قضاوت در مورد این برنامه مستلزم گزارش‌های نظارتی است که وظیفه سازمان مدیریت و برنامه ریزی است. اما اگر بخواهیم کلی صحبت کنیم جهت‌گیری‌های دولت فعلی عمدتاً در راستای برنامه چهارم نبوده است. در برنامه چهارم، یکی از جهت‌گیری‌های اقتصادی، رسیدن قطعی به رشد بالای ۸ درصد بود، اما حتی با نفت بشکه‌ای ۱۳۵ دلار هم این هدف تحقق نیافت. پیش‌بینی ما این بود که ۳۳ درصد از رشد اقتصادی از بخش بهره‌وری نهاده‌ها تأمین شود که این موضوع نیز محقق نشد.

قرار بود بر اساس استراتژی دوم، تعامل فعال اقتصادی با جهان داشته باشیم و ارتباط اقتصادی را دوطرفه‌سازیم و فقط فروشنده نفت نباشیم. اگر ما یک درصد جمعیت دنیا را داریم، باید متناسب با آن، سهمی از تجارت دنیا نیز داشته باشیم. اقتصاد باید رقابتی شود تا در یک رقابت سالم، بنگاه‌ها بتوانند در سطح جهانی رقابت داشته باشند که این مورد هم پیگیری نشد. قرار بود اقتصاد، دانش محور شود که متأسفانه در بُعد فعالیت‌های تحقیقاتی و تولیدی، جهت‌گیری‌ها اصلاً قابل توجه نبود. باید بحث آزمایش سرزمین به طور جدی دنبال می‌شد، به نحوی که فعالیت‌های اقتصادی ما بر اساس پتانسیل‌های کشور باشد. باید مطالعات در سطح وسیع انجام می‌گرفت تا چاره‌ساز هر دو برنامه چهارم و پنجم باشد، اما مطالعات در نیمه راه تعطیل شد.

قرار بود بحث حکمرانی حزب مطرح شود که در قالب این بحث، فعالیت‌ها می‌بایست به سه دسته تقسیم می‌شدند:

(۱) وظایف حاکمیتی به دولت واگذار می‌شد - دولتی که اندازه مناسبی دارد و از کارایی بالایی برخوردار است.

(۲) باید فعالیت‌های اقتصادی کشور به بخش خصوصی واگذار می‌شد - البته باید به این نکته اشاره

اگر منظور این است که این ۴ سال با ۴ سال دولت هماهنگ شود، باید یادآوری کرد که هر برنامه‌ای در کشور تا تبدیل شدن به قانون، حدود دو سال زمان لازم دارد و اگر دستگاه‌ها فعال باشند و آیین‌نامه‌های



اجرایی نیز طی این ۲ سال تدوین شوند مطلوب خواهد بود. اما اغلب این ۲ سال فقط صرف تدوین برنامه می‌شود. در حقیقت تدوین برنامه در یک دولت و اجرای آن در زمان آغاز به کار دولت دیگری صورت می‌گیرد. بنابراین این ایراد با ۴ ساله شدن زمان برنامه حل نمی‌شود. موضوع مهم، پایبندی به قانون و الزام به اجرای برنامه و برنامه ریزی است. در همه دنیا وقتی رئیس‌جمهور کشوری برنامه‌ای می‌دهد، مهمترین مسأله این است که مردم توجیه شوند این برنامه کشور را به کجا می‌برد.

مردم باید فردی را برای ریاست جمهوری انتخاب کنند که پایبند به قوانین دموکراسی، حکمرانی خوب و توسعه‌مداری در همه سطوح باشد. اساساً آنچه اهمیت دارد، دیدگاهی سازنده جهت پیشرفت کشور در آینده است. بنابراین با این دیدگاه ۴ ساله یا ۵ ساله بودن برنامه فرقی نمی‌کند و رئیس‌جمهور ملزم به اجرای چنین برنامه کارشناسانه‌ای است. متأسفانه ما از فرصت خوبی که در سه سال گذشته به دلیل قیمت بالای نفت پیش آمد استفاده نکردیم. در صورتی که اگر از این شرایط بهره می‌بردیم، با توجه به حساب ذخیره ارزی، برای تدوین بودجه این قدر آشفته نمی‌شدیم.

اقتصاد ایران: شما روند کنونی تدوین برنامه پنجم را

راه‌اندازی نیروگاه بوشهر

۱۰ سال بدقولی

آیا وعده روسیه مبنی بر راه‌اندازی کامل نیروگاه بوشهر تا پایان سال ۲۰۰۹ محقق خواهد شد؟

راه‌اندازی آزمایشی نیروگاه بوشهر به گوش اندازان می‌رسد و قرار است دو رآکتور دیگر نیز در دستور ساخت قرار بگیرد. همچنین روزه‌روز بر تعداد سانتریفیوژهای ایران افزوده می‌گردد. اخیراً هم رییس سازمان انرژی اتمی از انتشار اخبار خوش‌هسته‌ای در ۲۰ فروردین سال ۸۸ سخن به میان آورده است. مجموع مطالب فوق مؤید این مطلب است که آمریکا و غرب در رسیدن به اهداف خود مبنی بر ممانعت از هسته‌ای شدن ایران ناکام مانده‌اند و باید از این به بعد، به فکر حل مشکلات داخلی خود باشند.

نیروگاه بوشهر در گذرگاه تاریخ

قرارداد ساخت نیروگاه اتمی بوشهر در آذر ۵۳ منعقد و کار ساخت نیروگاه به وسیله شرکت آلمانی کرافت ورک اونیون (KWU) آغاز شد. محل ساخت این نیروگاه در ۱۸ کیلومتری جنوب بندر بوشهر، بین دو روستای هلیله و بندرگاه بود که در تاریخ ۱۴ تیر ۵۵ قرارداد نهایی بین طرفین ایرانی و آلمانی به امضای نهایی رسید. بعد از آن در سال ۱۹۷۴ میلادی، شرکت زیمنس آلمان، بر اساس قراردادی با دولت وقت ایران، ساخت دو رآکتور هسته‌ای ۱۲۰ مگاواتی آب‌سبک را آغاز نمود.

با پیروزی انقلاب و در سال ۵۹ عملیات ساخت نیروگاه عملاً متوقف شد و تأسیسات موجود، در طول جنگ ایران و عراق چندین بار مورد حمله هوایی قرار گرفت و بخش‌هایی از آن آسیب دید. بعد از اتمام جنگ، تهران و مسکو در سال ۱۹۹۲ موافقت نامه جامع همکاری‌های هسته‌ای را امضا کرده و در ژانویه ۱۹۹۵ شرکت روسی «اتم استروی اکسپورت»، عملیات تکمیل نیروگاه را بر عهده گرفت. بر اساس توافقات صورت گرفته، قرار بود نیروگاه بوشهر در ژوئیه ۱۹۹۹ تکمیل شده و در سال ۲۰۰۰ به بهره‌برداری برسد که تاکنون - یعنی بعد از گذشت حدود ۱۰ سال - این اتفاق رخ نداده و قرار است در سال جاری میلادی، نیروگاه بوشهر به طور کامل راه‌اندازی شود.

گفتنی است بر اساس گفته‌های مقامات ایرانی و روسی، تاکنون بیش از ۹۷ درصد تجهیزات نیروگاه بوشهر نصب شده و تجهیزات باقی‌مانده نیز پس از مشخص شدن نتیجه آزمایش‌ها نصب خواهند شد. همچنین ۳۶ درصد از مجموع تجهیزات به کار رفته در این نیروگاه ایرانی، ۴۰ درصد روسی و ۲۴ درصد نیز آلمانی می‌باشند. از هم‌اکنون باید منتظر ماند و دید که چه زمانی چراغ‌های ما بایرک هسته‌ای روشن می‌شوند.

بعد از سال‌ها انتظار و فراز و نشیب‌های بسیار و البته خلف وعده‌های مکرر طرف روسی، نیروگاه اتمی بوشهر با ظرفیت هزار مگاوات، در تاریخ ۷ اسفند سال ۸۷ با حضور مهندس آقازاده، رییس سازمان انرژی اتمی ایران و کرینکو، رییس شرکت «روس اتم» پیش‌راه‌اندازی شد و رآکتور آب سبک این نیروگاه، با سوخت مجازی مورد آزمایش قرار گرفت تا اولین گام جدی در جهت راه‌اندازی کامل نیروگاه بوشهر و قرار گرفتن آن در مدار تولید برداشته شود. البته با این که طرف روسی از آذر ماه ۸۶ سوخت اولیه این نیروگاه را به میزان ۸۲ تن در هشت مرحله به ایران ارسال کرده بود، با این حال، هنوز بخش عمده‌ای از ۲۰۰ تن سوخت مورد نیاز برای راه‌اندازی کامل نیروگاه بوشهر به ایران ارسال نشده است.

همین آزمایش اولیه نیز بازتاب‌های گسترده‌ای را در رسانه‌های جهان داشته است. علت این بازتاب هم روشن است. به گزارش واحد تحقیقات ماهنامه «اقتصاد ایران»، از زمان دولت خاتمی که فعالیت‌های هسته‌ای ایران رنگ و بوی جدی‌تری به خود گرفت، آمریکا با همکاری دولت‌های غربی، تلاش‌های گسترده و غیرمنصفانه‌ای را برای خطرناک جلوه دادن برنامه هسته‌ای ایران به راه انداخت.

بر این اساس، بازرسان آژانس بارها به ایران آمدند و فعالیت‌های هسته‌ای ایران را زیر نظر گرفتند، در حالی که بخش زیادی از بازرسی‌های انجام گرفته، تنها به استناد برخی ادعاهای ساختگی کشورهای غربی صورت گرفته بود. با این همه، ایران برای اثبات صلح‌آمیز بودن فعالیت‌ها و برنامه‌های هسته‌ای خود، به مدت ۲۰ سال فعالیت‌های مربوط به غنی‌سازی را به حال تعلیق درآورد. اما با گذشت زمان معلوم شد که نگرانی کشورهای غربی، دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای نیست بلکه نگرانی اصلی آنها هسته‌ای شدن ایران است. لذا محمد خاتمی در اواخر دوران ریاست جمهوری خود، دستور رفع تعلیق را صادر کرد و با روی کار آمدن محمود احمدی‌نژاد، ایران دیگر زیر بار تعلیق مجدد غنی‌سازی نرفت و در مسیر احقاق حقوق خود ایستادگی کرد. به دنبال این موضوع، با فشار گروه ۵+۱ پرونده هسته‌ای ایران از آژانس انرژی اتمی به شورای امنیت ارجاع داده شد و متعاقباً شورای امنیت نیز به نایب، به صدور قطعنامه علیه کشورمان مبادرت نمود و تحریم‌هایی نیز علیه ایران اعمال کرد.

با این اوصاف و به رغم همه این اقدامات، اینک خبر

کرد که پدیده بسیار مهمی که در برنامه چهارم رخ داد، ابلاغ سیاست‌های اصل ۴۴ بود که می‌توانست باعث حذف کلی نقش دولت در فعالیت‌های اقتصادی شود.

۳) باید فعالیت‌های سیاسی و فرهنگی به نهادهای NGO منتقل می‌شد و دولت، حداقل به صورت مستقیم در این امور نقشی بر عهده نمی‌گرفت. در حالی که این فعالیت‌ها از گذشته هم دولتی‌تر شدند. همچنین فعالیت‌های اجتماعی نیز می‌باید در قالب نهادهای مردمی شکل می‌گرفت که متأسفانه این گونه نشد.

اقتصاد ایران: با توجه به روند کنونی، پیش‌بینی شما از شرایط و وضعیت ایران در افق ۱۴۰۴ چگونه است؟

اگر این روند ادامه داشته باشد، جای امیدواری نیست. اما من امیدوارم روند کنونی تغییر کند. زمانی که ما سند چشم‌انداز ۲۰ ساله را تدوین می‌کردیم، یکی از کشورهای الگوی ما ترکیه بود که درآمد سرانه ۶۰۰ دلاری را برای خود در نظر گرفته بود. اما ترکیه الان درآمد سرانه ۱۲ هزار دلاری را برای خود در نظر دارد. سایر کشورها نیز که قرار بود در میان آنها حرف اول را بزنیم، اهداف و برنامه‌هایشان را تغییر داده‌اند و تلاش خود را بیشتر کرده‌اند. بنابراین ما نیز باید اهداف خود را تغییر دهیم و در جهت ارتقای آن بکوشیم.

من تصور می‌کنم اگر تکیه بر توان داخلی کشور داشته باشیم، می‌توانیم جایگاه بسیار مناسب‌تری را برای خود در دنیا ترسیم کنیم، کشور ما جزو معدود کشورهایی است که در آن برنامه به قانون تبدیل می‌شود. اما متأسفانه دستگاه‌های نظارتی بررسی لازم را ندارند که چه میزان از برنامه اجرا شده است. بهتر است اگر برنامه‌ای در بعضی موارد - بنا به شرایط داخلی و خارج کشور - اجرا نمی‌شود، علت عدم اجرای آن برای مردم توضیح داده شود. هیچ کشوری در دنیا بدون دولت کارآمد و برنامه‌ریزی دقیق نتوانسته مسیر توسعه یافتگی را طی کند.

اقتصاد ایران: آیا حذف سازمان برنامه و بودجه دلیل خاصی داشت؟

شاید الان که به گذشته بر می‌گردیم، در می‌یابیم که این تصمیم عجولانه بوده است. دولت نهم به جای این که مجموعه سازمان را کوچک‌تر و کارآمدتر کند، صورت مسئله را حذف نمود و سازمان برنامه و بودجه منحل شد. ما سال‌های قبل به این نتیجه رسیده بودیم که باید ساختار را متحول کنیم و برای این منظور تعاریفی داشتیم که در برنامه چهارم منعکس شد. ولی بنا نبود این امر در ابتدای برنامه چهارم صورت گیرد و یا کلاً سازمان منحل شود. در حقیقت با پاک کردن صورت مسئله، بسیاری از برنامه‌هایی که مسؤول اجرایی آن همین سازمان بود، به علت انحلال سازمان تحقق نیافت.

اقتصاد ایران: متشکریم. ■